

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی با استفاده از تکنیک تاپسیس

سحر سپاسی *

محیا رضایت **

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۰

چکیده:

در دنیای کنونی، همه واحدهای تجاری و سازمان‌ها که در اجتماع فعال هستند، باید در مقابل تمامی ذینفعان خود پاسخگو باشند. حسابرسی اجتماعی ابزاری برای پاسخگویی هرچه بهتر شرکت‌هاست. هدف اصلی این پژوهش شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی است. بدین منظور، ادبیات موجود در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت و عوامل اثرگذار بر حسابرسی اجتماعی شناسایی گردید. در نهایت برای امکان‌سازی سنجش، این عوامل مؤثر در ۴۵ متغیر نهایی خلاصه شد. سپس از طریق مصاحبه با خبرگان حسابرسی، به کمک تکنیک تاپسیس عوامل رتبه‌بندی شدند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رهبری مناسب سازمان با شاخص نزدیکی نسبی ۰/۸۳، مهم‌ترین عامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی است همچنین آموزش مستمر در خصوص حسابرسی اجتماعی به واحد حسابرسی سازمان و مسئول دانستن سازمان نسبت به تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی به ترتیب جایگاه دوم و سوم را به خود اختصاص دادند. با توجه به اینکه این سه عامل از عوامل سازمانی هستند می‌توان بیان نمود عوامل سازمانی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر حسابرسی اجتماعی هستند.

* استادیار حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، گروه حسابداری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: sepasi@modares.ac.ir

** کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، گروه حسابداری، تهران، ایران

Email: mahya_rezayat@yahoo.com

واژه های کلیدی: مسئولیت اجتماعی، حسابرسی اجتماعی، روش تصمیم گیری چند معیاره، تاپسیس، رتبه بندی

۱. مقدمه

با رشد و توسعه صنایع و واحدهای تجاری مختلف، مسائل و مشکلات جدیدی پدیدار شده است که ناشی از پیامدها و تأثیرات فعالیتهای واحدهای تجاری بر روی محیط زیست و اجتماع است. امروزه با توجه به پیچیده شدن ارتباط شرکت های موجود در جامعه با یکدیگر و همچنین با دولت و افراد حاضر در جامعه شرایطی به وجود آمده که شرکت ها می بایست نه تنها به ذینفعان بلکه به آحاد مردم پاسخگو باشند (پاک مرام، ۱۳۹۴)؛ بنابراین اگر شرکتی بخواهد منافع همه ی گروه های ذی نفع را حفظ کند، دیگر صرفاً افزایش سودآوری را تنها هدف خویش ندانسته بلکه به موضوعاتی همچون پرداخت حقوق عادلانه به کارگران، آلودگی محیط زیست و سایر مسائل اخلاقی و اجتماعی توجه ویژه ای خواهد داشت (باترا، ۱۹۹۶). اگر در گذشته، تنها توصیه به مدیران این بود که کارگاه های خود را بهره ور نگهدارند و در مکتب روابط انسانی، تنها به ارضای نیازهای روحی و روانی کارکنان خود تشویق می شدند، در عصر حاضر از مدیران انتظار دارند که توجه ویژه ای به محیط های خارج از سازمانشان داشته باشند.

در حال حاضر مشتریان و افراد جامعه از شرکت ها و سازمان ها انتظار دارند که مسئولیت پذیر باشند و اثرات فعالیتهای خود را بر جامعه از جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به طور شفاف بیان کنند (قاسمی و شکر علی آبادی، ۱۳۹۳). از سوی دیگر شرکت ها و همه سازمان هایی که در جامعه فعالیت می کنند نه تنها به سهامداران خود بلکه باید به همه ذینفعان خود پاسخگو باشند (عسگری، ۱۳۸۶). با پذیرش این مطلب که ذینفعان بسیار زیادی برای شرکت ها وجود دارند و از طرفی دیگر شرکت ها دارای مسئولیت پذیری اجتماعی می باشند، می توان حسابرسی اجتماعی^۲ را به عنوان بخشی لاینفک از مسئولیت اجتماعی^۳ شرکت ها دانست. در دنیای تجارت، حسابرسی اجتماعی یکی از مهم ترین مراحل بهبود مسئولیت اجتماعی شرکت ها می باشد. برای بسیاری از شرکت هایی که این فعالیت را آغاز می کنند اولین فرصتی است که تلاش هایی فراتر از اندازه گیری های مالی انجام دهند و اثرات اجتماعی و محیطی را ارزیابی و اندازه گیری نمایند. شناخت و به کارگیری حسابرسی اجتماعی در حال گسترش است،

1 Batra

2 Social audit

3 Corporate Social Responsibility

به طوری که این موضوع تبدیل به یکی از مبانی صحیح مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) شده است. از سوی دیگر، علاقه شرکت‌های بزرگ به حسابرسی اجتماعی افزایش یافته است (هاشمی، ۱۳۸۶). همچنین مطالعات انجام شده در زمینه حسابرسی و گزارش‌های اجتماعی در طول چند دهه‌ی گذشته افزایش یافته است و شرکت‌ها شروع به ارزیابی عملکرد اجتماعی خود و گزارش نتایج این ارزیابی‌ها، به عنوان ابزاری برای نشان دادن تعهد خود نسبت به مسئولیت اجتماعی کرده‌اند (فریمپنگ و اوسو^۱، ۲۰۱۲). شرکت‌های خصوصی و کسب‌وکار، علاقه‌مند به استفاده از حسابرسی اجتماعی برای دستیابی به اهدافی همچون توسعه پایدار و سوددهی در درازمدت (ازیزیکا و همکاران^۲، ۲۰۰۹) حفظ مشروعیت اجتماعی (الاینکا و یوگبا^۳، ۲۰۱۱)، مشروعیت بخشیدن به جنبه‌های مختلف سازمان (باسامالا و جرمیز^۴، ۲۰۰۵)، جذب سرمایه‌گذاری و پاسخ‌گویی به انتظارات جامعه (دیگن و بلومکویست^۵، ۲۰۰۶)، به دست آوردن مزیت رقابتی (حسنز^۶، ۱۹۹۸) و مدیریت ذینفعان (اولمان^۷، ۱۹۸۵) می‌باشند.

با توجه به اهمیت بیان شده در مورد حسابرسی اجتماعی این پژوهش درصدد آن است که عوامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی را تعیین نماید. در ادامه، مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌ها و روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش ارائه می‌گردد. بخش پایانی نیز به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش اختصاص می‌یابد.

۲- مبانی نظری

سه تئوری زیربنای مطالعات حسابداری و حسابرسی اجتماعی را تشکیل می‌دهد که شامل تئوری مشروعیت^۸، تئوری ذینفعان^۹ و تئوری سازمانی است^{۱۰} (فریمپنگ و اوسو، ۲۰۱۲).

تئوری مشروعیت به ارتباط اجتماعی بین جامعه و سازمان تأکید دارد و سازمان باید تأثیراتی که بر جامعه می‌گذارد را گزارش کند (بهارمقدم و همکاران، ۱۳۹۲). مطابق این تئوری، بقاء یک

1 Frimpong & Owusu

2 Ezezika et al

3 Uwuigbe & Olayinka

4 Basamalah & Jermias

5 Deegan & Blomquist

6 Hasnas

7 Ullman

8 Legitimacy theory

9 Stakeholder theory

10 Institutional theory

سازمان به وسیله فشارهای بازار و توقعات جامعه پایدار است و از این رو درک نگرانی‌های جامعه، توقعات جامعه را بیان می‌کند (فریمپنگ و اوسو، ۲۰۱۲). به عبارتی یک سازمان زمانی مشروع است که سیستم ارزشی آن مطابق سیستم ارزشی جامعه‌ای باشد که در آن به عنوان بخشی از جامعه شکل گرفته است (چو، ۲۰۰۷). طبق مفهوم مشروعیت می‌توان بیان نمود که حسابرسی اجتماعی ابزاری است که با ارزیابی و مقایسه سیستم ارزشی سازمان با سیستم ارزشی جامعه باعث مشروعیت بخشیدن به سازمان می‌شود.

تئوری ذینفعان بیان می‌کند که شرکت‌ها بسیار بزرگ شده‌اند و تأثیر آن‌ها بر جامعه آن‌چنان عمیق است که باید برای ایفای مسئولیت خود به غیر از سهامداران به بخش‌های بسیار بیشتری توجه کرده و پاسخگو باشند (هیل و جونز^۱، ۱۹۹۲). طبق تئوری ذینفعان، ذینفعان از این حق برخوردار هستند که بدانند سازمان با مصارف منابع اجتماعی، چه کاری را انجام می‌دهد. واژه ذینفع شامل همه افرادی است که از فعالیت‌های سازمان سود می‌برند حتی اگر آن سود، اقتصادی نباشد (فریمپنگ و اوسو، ۲۰۱۲). طبق این تئوری، سازمان از طریق حسابرسی اجتماعی می‌تواند با نیازهای متنوع ذینفعان مختلف تطبیق یابد و به طیف گسترده‌ای از ذینفعان پاسخگو باشد. تئوری سازمانی با آزمون و توضیح اینکه چه طور هنجارهای سازمانی و فشارها بر تغییر اجتماعی در میان سازمان‌ها تأثیر می‌گذارند سروکار دارند. مطابق تئوری سازمانی فعالیت‌های سازمان، توسط انواع فشارهای خارجی محدود می‌شود. مطابق مفروضات این تئوری سازمان‌ها باید به تقاضاهای خارجی و توقعات جامعه به منظور حفظ مشروعیتشان پاسخگو باشند. این تئوری کشف می‌کند که چطور ساختارها و فعالیت‌های سازمانی توسط فرهنگ، سیاست و فشارهای جامعه‌ای که آن را احاطه کرده است، شکل می‌گیرد (عزیزالاسلام، ۲۰۰۹). اثبات پابندی و وفاداری به انتظارات، رفتارها و عقاید ارزشمند جامعه به طور گسترده از طریق حسابرسی اجتماعی ممکن است به سازمان در کسب حمایت جامعه و همچنین قانونی بودن و مشروعیت کمک بسزایی داشته باشد.

۲-۱- مسئولیت اجتماعی

امروزه همه مدیران باید به تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌هایی دست بزنند که مورد قبول جامعه و منطبق با ارزش‌های آن باشد، این ارزش‌ها و ملاحظات با عنوان مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها از نیمه دوم قرن بیستم، مورد توجه خاص قرار گرفته است. درحقیقت مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها فراتر رفتن از حداقل الزامات قانونی است که به صورت داوطلبانه پذیرفته شده است.

مسئولیت اجتماعی به مباحث اخلاقی درباره‌ی رفتار و تصمیم‌گیری شرکت درباره‌ی موضوعاتی مانند مدیریت منابع انسانی، حمایت محیطی، سلامتی کاری، روابط اجتماعی و روابط با عرضه‌کنندگان و مشتریان می‌پردازد (احمدپور و فرمانبردار، ۱۳۹۴). تعریف جهان شمولی از مسئولیت اجتماعی وجود ندارد (عراقی و یقین‌لو، ۱۳۸۳). پدر مسئولیت اجتماعی، بون^۱ (۱۹۵۳)، این مفهوم را این‌گونه بیان می‌کند: «مسئولیت اجتماعی شرکت به وظایف تاجر برمی‌گردد تا سیاست‌هایی را دنبال کند، تصمیماتی را بگیرد و اقداماتی را انجام دهد که از نظر اهداف و ارزش‌های جامعه مطلوب هستند».

به طور کلی، مسئولیت اجتماعی، تعهد تصمیم‌گیران برای اقداماتی است که علاوه بر تأمین منافع خودشان موجبات بهبود رفاه جامعه را نیز فراهم می‌آورد. طبق این تعریف اولاً مسئولیت اجتماعی یک تعهد است که مؤسسات باید در قبال آن پاسخگو باشند، ثانیاً، مؤسسات مسئولند که از آلوده کردن محیط‌زیست، اعمال تبعیض در امور استخدامی، بی‌توجهی به تأمین نیازهای کارکنان خود، تولید کردن محصولات زیان‌آور و نظایر آن که به سلامت جامعه لطمه می‌زنند، بپرهیزند. سرانجام سازمان‌ها باید با اختصاص منابع مالی در بهبود رفاه اجتماعی مورد قبول اکثریت جامعه بکوشند (ایران نژاد پاریزی، ۱۳۷۱).

کارول^۲ (۱۹۹۱)، در مطالعه‌ای که به عنوان «هرم مسئولیت اجتماعی بنگاه» منتشر شده است، برای هر بنگاه چهار دسته مسئولیت اجتماعی قائل شده است.

۱- مسئولیت اقتصادی: برای یک بنگاه اقتصادی کسب سود و ارزش افزوده‌ی حاصل از تولید و خدمات اصلی‌ترین هدف محسوب می‌شود. حال باید توجه داشت که دیگر اهداف و فعالیت‌های بنگاه در سایه فعالیت‌های اقتصادی معنا پیدا می‌کنند و اگر بنگاه اقتصادی سود ده نباشد فعالیت‌های وی مورد سؤال خواهد بود.

۲- مسئولیت قانونی: جامعه از بنگاه‌ها نمی‌خواهد که سود ده باشند بلکه همچنین می‌خواهد مطابق با قوانین و مقررات رفتار نماید. مسئولیت‌های حقوقی دربرگیرنده یک مجموعه از دستورالعمل‌های اخلاقی است که برای تجارت عادلانه توسط قانون‌گذاران وضع شده است.

۳- مسئولیت اخلاقی: مسئولیت‌های اخلاقی بازگو کننده فعالیت‌هایی است که بر خلاف مسئولیت اقتصادی و حقوقی تدوین نشده‌اند. تعهدات اخلاقی دربرگیرنده هنجارها، استانداردها و انتظاراتی هستند که بازگوکننده دغدغه‌های مصرف‌کنندگان، کارکنان، سهامداران، در خصوص عدالت، برابری و پاسداری از وجدان ذی‌نفعان می‌باشد.

1 Bowen

2 Carol

۴- مسئولیت اختیاری (بشردوستانه): نوع دوستی شامل آن دسته از فعالیت‌هایی است که بنگاه به عنوان شهروند خوب انجام می‌دهد و مشارکت بنگاه در فعالیت‌هایی که معضلات جامعه را فرو کاهد و کیفیت زندگانی آن را بهبود بخشد.

۲-۲- حسابرسی اجتماعی

حسابرسی اجتماعی فرآیندی است که واحد تجاری را قادر می‌سازد تا منافع و محدودیت‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی را ارزیابی کرده و آن را توجیه کند. روشن است که یک سازمان برای خلق ارزش و رسیدن به اهدافی که متعهد شده است، حسابرسی اجتماعی را اجرا کند. حسابرسی اجتماعی یک ارزیابی از اثرات اهداف غیرمالی یک سازمان را نشان می‌دهد که به طور سامانمند و قانونی منعکس کننده عملکرد سازمان و دیدگاه ذی‌نفعان آن سازمان است (جمال محمدی و علی بیات، ۱۳۹۱).

تعاریف متعددی از حسابرسی اجتماعی توسط محققان ارائه شده است. نخستین همایش حسابرسی اجتماعی در ادینبورگ در مارس ۱۹۹۵، حسابرسی اجتماعی را به عنوان یک فرآیندی که عملکرد و اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی را اندازه‌گیری و گزارشگری می‌کند، بیان کرد. ریموند^۱ بنیان‌گذار حسابرسی اجتماعی در فرانسه درباره حسابرسی اجتماعی این چنین می‌گوید: «یک ابزار مدیریتی برای نظارت بر شرکت و مدیریت مسائل انسانی و اجتماعی مربوط به فعالیت حرفه‌ای است» (فریمپنگ و اوسو، ۲۰۱۲).

برتون^۲ (۲۰۰۰)، بیان کرد اولین وظیفه حسابرسی اجتماعی، شناسایی ذینفعان سازمان مربوط می‌باشد به طوری که هر گروه از ذینفعان به نحوی سهامدار شرکت تلقی می‌شوند. سپس حسابرسی اجتماعی اجزای یک شرکت را از جمله سیاست‌های اجتماعی شرکت را مورد بررسی قرار می‌دهد که بدین شرح است:

۱. **اخلاق:** ارزش‌هایی که شرکت تعهد کرده است به آن‌ها احترام بگذارد. سیاست‌هایی که شرکت تعهد کرده است در یک سری از فعالیت‌ها شرکت نکند مانند به کارگیری کودکان، صدمه به محیط‌زیست، تولید محصولات که جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازد مثل سیگار، اسلحه، تنباکو و غیره.

۲. **کار:** ایجاد یک محیط کار به کارمندان اجازه می‌دهد که توانایی‌های بالقوه خود را توسعه دهند. سیاست‌ها در این حوزه شامل: آموزش برنامه‌ریزی، وجوه و مزایا، پاداش مرتبط به

1 Raymond

2 Breton

شایستگی، تعادل بین کار و زندگی خانوادگی و همچنین وجود مکانیسم‌هایی که اطمینان می‌دهد، تبعیض و آزار و اذیتی وجود ندارد.

۳. محیط زیست: نظارت و کاهش خسارت به محیط زیست. برای مثال سیاست‌های کاهش انتشار زباله

۴. حقوق انسانی: اطمینان یافتن از اینکه شرکت حقوق بشر را نقض نمی‌کند و از کسانی که حقوق بشر را نقض می‌کنند حمایت نمی‌کند.

۵. جامعه محلی: سیاست‌های مربوط به این حوزه شامل مشارکت با سازمان‌های خیریه محلی و کمک‌های مالی (برای مثال تهیه غذا و لباس برای فقرا) می‌باشد. شرکت ممکن است شروع به بازسازی یک منطقه فقیر که دچار آفت بیکاری است، کند.

۶. جامعه: سیاست‌ها فراتر از جامعه محلی است. به عنوان مثال شرکت با یک مؤسسه خیریه مشارکت دارد و درصد کمی از فروش را به این مؤسسه می‌دهد.

۷. انطباق: شرکت تمام تعهدات قانونی را شناسایی می‌کند. سیاست‌ها باید با قوانین مربوط به کار، بهداشت، محیط زیست، دولت، مالیات و معاملات هماهنگ باشد.

واژه حسابرسی اجتماعی، سه حالت مختلف را پوشش می‌دهد:

۱- تجزیه و تحلیل وضعیت سازمان توسط حسابرِس مستقل

۲- تجزیه و تحلیل وضعیت سازمان توسط حسابرِس داخلی

۳- بازرسی و ممیزی توسط حسابرِس مستقل

به طور کلی این سه حالت می‌توانند هم‌زمان در شرکت صورت پذیرد. در حالت اول حسابرِس مستقل وضعیت موجود را تجزیه و تحلیل می‌کند و توصیه‌هایی را ارائه می‌دهد. در مرحله دوم، شرکت به دنبال ایجاد یک ساختار برای سازمان‌دهی و نظارت بر سیاست‌ها و مسئولیت اجتماعی محوله و مربوط به سازمان است. در مرحله سوم زمانی که سیاست‌های تدوین شده در حال اجرا می‌باشد، حسابرِس مستقل علاوه بر ممیزی اظهارنامه‌های سالیانه مالی تمهیدات لازم را در خصوص رسیدگی بر مسئولیت‌های اجتماعی سازمان انجام خواهد داد (برتون، ۲۰۰۰).

مسئولیت اجتماعی و بررسی فرآیند آن برای پاسخگویی به ذینفعان از بحث‌های زیربنایی مقوله حسابرسی اجتماعی می‌باشد. پژوهش‌های پیشین موارد مختلفی را در رابطه با مقوله حسابرسی اجتماعی شناسایی کرده‌اند. سازمان به دلیل ارتباط مؤثری و تنگاتنگی که با حسابرِس دارد و اینکه اجرای مقوله مسئولیت اجتماعی و اهمیت دادن به حقوق ذینفعان و افشای مقوله

مسئولیت اجتماعی از اهداف و فعالیت‌های سازمان قرار می‌گیرد، همواره از عوامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی شناسایی شده است (موریموتو و همکاران، ۲۰۰۵). اجبار به افشای زیست محیطی و همچنین سایر مقوله‌هایی که در قالب مسئولیت اجتماعی قرار می‌گیرد در بسیاری از کشورها در دستور کار قانون‌گذاران قرار گرفته است. قوانین و ضمانت اجرایی این قوانین می‌تواند نقش بسزایی در اجرای مسئولیت اجتماعی و به بالطبع آن حسابرسی اجتماعی به عنوان فرآیند نظارتی بر مقوله مسئولیت اجتماعی داشته باشد. وجود ابزارهای نظارتی قوی‌تر همواره منجر به اجرای بهتر فرایند مسئولیت اجتماعی شده است و در ادامه حسابرسی اجتماعی از ضمانت اجرایی بیشتری در سازمان‌ها برخوردار بوده است (ازیزیکا، ۲۰۰۹). دینفعان همواره از اثرگذارترین گروه‌ها در افشا یا عدم افشای مسئولیت اجتماعی بوده‌اند. هر جا دینفعان حضور مؤثری در خصوص ارزیابی و بررسی فعالیت‌های شرکت‌ها داشته‌اند به دلیل اهمیت بخشی به فرآیند مسئولیت اجتماعی، حسابرسی اجتماعی به بهترین نحو انجام شده است (هانتر، ۲۰۰۳). در برخی کشورها دولت‌ها برنامه‌های حمایتی از حسابرسان اجتماعی داشته است و برای سازمان‌هایی که از حسابرسی اجتماعی به طور داوطلبانه استفاده نمایند مشوق‌های دولتی در نظر گرفته است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد وجود این محرک‌های دولتی همواره توانسته است به اجرای بهتر حسابرسی اجتماعی در سازمان‌ها خصوصاً سازمان‌هایی که داوطلبانه از این مقوله استفاده می‌نمایند بیانجامد (هویا، ۲۰۰۶). افزایش نگرانی عمومی از عدم پیاده سازی سیستم حسابرسی اجتماعی و فشار از سوی جامعه بر پیاده سازی سیستم حسابرسی اجتماعی از مهم‌ترین مباحث اجتماعی تأثیرگذار بر حسابرسی اجتماعی می باشد (گائو و ژانگ، ۲۰۰۶). خصوصیات فرآیند حسابرسی اجتماعی برگرفته از عوامل محیطی و سازمانی پیرامونی حسابرس که ریشه در فرآیندهای مسئولیت اجتماعی داشته است از عوامل اثرگذار بر حسابرسی اجتماعی می باشد (گائو و ژانگ، ۲۰۰۶).

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پژوهش‌های خارجی

اووسو و فریمپنگ (۲۰۱۲)، در طی پژوهشی بررسی نمودند که چه عواملی باعث ایجاد انگیزه در اجرای حسابرسی اجتماعی می‌شود. آن‌ها عواملی همچون اخلاق، منافع سرمایه‌گذاران، ریسک

مدیریتی و افزایش اعتبار و نهادهای نظارتی و قانون را از عوامل مهم ایجاد انگیزه برای اجرای حسابرسی اجتماعی برشمردند.

گائو و ژانگ^۱ (۲۰۰۶)، حسابرسی اجتماعی را به عنوان رویکردی برای مشارکت ذینفعان در ارزیابی و گزارش پایداری و عملکرد شرکت‌ها شناختند. آن‌ها بر اساس استاندارد پاسخگویی AA1000 ارتباط بین حسابرسی اجتماعی و پایداری شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش طیف وسیعی از ذینفعان در نظر گرفته شد و نشان داد که حسابرسی اجتماعی منجر به اعتماد و شناسایی تعهد و ترویج همکاری بین ذینفعان و شرکت می‌شود.

موریموتو و همکاران^۲ (۲۰۰۵)، به بررسی امکان توسعه حسابرسی اجتماعی پرداخته است. این پژوهش در سه مرحله انجام شده است. مرحله اول بررسی مقالات موجود و بررسی پژوهش‌های مشابه انجام شده برای یک نمای کلی از موضوع، مرحله دوم جمع‌آوری ارقام و اطلاعات ناشی از مصاحبه‌های انجام شده با مفسران و تحلیل‌گران در رابطه با شاخص‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی برای انجام حسابرسی، در مرحله سوم، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکردها و مدل‌های علمی مرد تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش با توجه به مصاحبه‌های انجام شده عوامل زیر مهم‌ترین عوامل مؤثر در اجرای یک سیستم حسابرسی اجتماعی سازمان شناخته شده است:

۱- مدیریت خوب شرکت

۲- مدیریت خوب ذینفعان

۳- اولویت بیشتر مسئولیت اجتماعی در سطح هیئت‌مدیره

۴- ادغام مسئولیت اجتماعی شرکت با سیاست‌های شرکت

۵- تدوین و توجه به مقررات در سطح ملی و بین‌المللی

۶- هماهنگی خوب بین دولت و شرکت و جامعه

۷- گنجاندن کلیه همه گروه‌های ذینفع در جریان اجرای حسابرسی اجتماعی

۸- شناسایی نقاط ضعف حسابرسی اجتماعی

باسامالا و جرمیز (۲۰۰۵)، در طی پژوهشی متوجه شدند که گزارش و حسابرسی اجتماعی و زیست‌محیطی به‌خاطر دلایل استراتژیک است. نتایج این پژوهش نشان داد که گزارش و حسابرسی اجتماعی و زیست‌محیطی باعث افزایش در مشروعیت شرکت و بقای آن می‌شود.

1 Gao & zhang

2 Morimoto et al

هیل و همکاران^۱ (۱۹۹۸) به بررسی حسابرسی اجتماعی در محیط‌های درمان و بهداشت مثل بیمارستان‌ها پرداختند. آن‌ها با جمع‌آوری ۱۴۲ پرسشنامه از بیماران به این نتیجه رسیدند که بیماران مشتاق به اجرای حسابرسی اجتماعی هستند و اجرای این نوع حسابرسی در این محیط‌ها باعث شفافیت تصمیم‌گیری در درمان افراد می‌شود و همچنین حسابرسی اجتماعی یک چارچوب توسعه یافته برای پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان ارائه می‌دهد که می‌تواند برای بهبود حال بیمار استفاده شود.

باترا^۲ (۱۹۹۶)، در پژوهشی با عنوان محرک‌های حسابرسی اجتماعی در شرکت‌های تجاری به بررسی عوامل تأثیرگذار بر حسابرسی اجتماعی در شرکت‌های هندی پرداخت. او بیان نمود دولت نقش بااهمیتی را در استانداردسازی حسابرسی اجتماعی و به تبع آن افزایش اجرای حسابرسی اجتماعی دارد. او از جمله مشکلات حسابرسی اجتماعی را این‌گونه بیان کرد:

۱- نبود تعریف واحد و مشخص از حسابرسی اجتماعی

۲- نبود فرمت و قالب مشخص برای ارائه گزارش‌های اجتماعی

۳- نبود تعهد قانونی

۴- پیچیده بودن حسابرسی هزینه‌های اجتماعی

۳-۲- پژوهش‌های داخلی

در داخل کشور نیز مطالعات معدودی در زمینه حسابرسی اجتماعی صورت گرفته است که در زیر به دو مورد آن اشاره شده است.

جمال محمدی و علی بیات (۱۳۹۱)، مقاله‌ای تحت عنوان بررسی جایگاه پاسخگویی و حسابرسی مسئولیت اجتماعی واحدهای اقتصادی انجام دادند. این مقاله رویکردی تحلیلی به حسابرسی اجتماعی، نظام راهبری و نقش حسابرسی در نظام راهبری و ایفای مسئولیت اجتماعی واحدهای تجاری و سازمان‌های دولتی ارائه داده است. نتایج این بررسی گویای آن است که در سال‌های آینده نقش حسابرسی به منظور افزایش کنترل شرکت‌ها در راستای رعایت منافع ذینفعان و اجتماع، گسترش خواهد یافت.

جهانباز بامداد صوفی (۱۳۷۷)، پژوهشی تحت عنوان اطلاع رسانی در مدیریت منابع انسانی از طریق طراحی سیستم‌ها اطلاعاتی اجتماعی: حسابداری اجتماعی و حسابرسی اجتماعی را انجام داده است. در این مقاله نحوه طراحی و استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی اجتماعی که

1 Hill et al

2 Batra

می‌توان آن را با ابزار ساده و محدود نیز انجام داد تشریح شده است و در مورد ابزارهای اطلاع‌رسانی مانند حسابداری اجتماعی و حسابرسی اجتماعی نیز اجمالاً بحث شده است. با توجه به مطالب عنوان‌شده و اهمیت مقوله‌ی حسابرسی اجتماعی هدف از این پژوهش پاسخگویی به سؤال‌های ذیل است:

- ۱- عوامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی کدام‌اند؟
- ۲- رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی چگونه است؟

۴- روش پژوهش

این مطالعه از نظر هدف کاربردی است. برای مطالعه و شناسایی عواملی که بر حسابرسی اجتماعی تأثیر می‌گذارند از روش پیمایشی و توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، مدیران و شرکای مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی است که تعداد مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی در پایان سال ۱۳۹۳، ۲۲۵ مؤسسه بوده است. نمونه پژوهش غیر تصادفی است، زیرا تمامی مؤسسات حسابرسی از شانس یکسان برای حضور در نمونه برخوردار نبودند، به عبارتی نمونه‌گیری ضابطه‌مند بوده است؛ و مؤسسه‌ای که طبق رتبه‌بندی اعلام شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار، رتبه الف را کسب نمودند، شانس بیشتری برای انتخاب شدن، داشتند. زمان انجام مصاحبه در سال ۱۳۹۴ بوده است بنابراین قلمرو زمانی پژوهش سال مذکور می‌باشد. در مرحله اول پژوهش، برای شناسایی عوامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. بدین منظور مقالات پایگاه‌های فارسی و انگلیسی، کتب و پایان‌نامه‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. ابتدا ۸۰ متغیر تأثیرگذار بر حسابرسی اجتماعی شناسایی شد و در نهایت با اساتید و شرکای حسابرسی که در مقطع تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های سراسری تهران تدریس می‌کردند، مشورت گردید و پس از اعمال نظر ۴۵ متغیر نهایی شد و این متغیرها در ۶ دسته کلی که شامل: عوامل سازمانی، قوانین و مقررات، ذینفعان، حمایت و برنامه‌های دولت، عوامل اجتماعی و حسابرس بود، قرار گرفتند.

جدول ۱. شناسایی عوامل مؤثر بر اجرای حسابرسی اجتماعی

عوامل	نماینه	متغیر
عوامل سازمانی	Q ₁	سازمان خود را برای تأثیرات اجتماعی و زیست محیطی مسئول بداند. (هومر، ۲۰۰۱)
	Q ₂	اشتیاق سازمان برای حسابرسی اجتماعی (هومر، ۲۰۰۱؛ محمدی و بیات، ۱۳۹۱)
	Q ₃	نترسیدن از انتقاد عمومی و مداخله دولت (هومر، ۲۰۰۱؛ محمدی و بیات، ۱۳۹۱)
	Q ₄	رهبری مناسب سازمان (موریموتو و همکاران، ۲۰۰۵)
	Q ₅	اولویت بیشتر و بالاتر حسابرسی اجتماعی در سطح هیئت مدیره (موریموتو و همکاران، ۲۰۰۵)

Q 6	ادغام حسابرسي اجتماعي با سياست هاي سازمان (موريومتو و همكاران، ۲۰۰۵)
Q 7	تدوين خط مشي مناسب جهت جلوگيري از فساد (علم، ۲۰۱۴)
Q 8	توجه به همه گروه هاي دينفع (موريومتو و همكاران، ۲۰۰۵؛ فريمينگ و اوسو، ۲۰۱۲)
Q 9	تهيه كردن گزارش هاي اجتماعي ارزان و غير وقت گير (موريومتو و همكاران، ۲۰۰۵)
Q 10	در دسترس قرار دادن اطلاعات سازمان به عموم (هوبا، ۲۰۱۲)
Q 11	افزايش شهرت (راينارد، ۱۹۹۸؛ گرین وود، ۲۰۱۳؛ فريمينگ و اوسو، ۲۰۱۲)
Q 12	بهبود سيستم مديريت (راينارد، ۱۹۹۸)
Q 13	يکپارچه سازي اهداف اجتماعي و زيست محيطي با اهداف اقتصادي (گانو و زانگ، ۲۰۰۶)
Q 14	مشروعيت بخشيدن به سازمان (گرین وود، ۲۰۱۳؛ باسامالا و جرميز، ۲۰۰۵؛ يووگبا و الاينکا، ۲۰۱۱)
Q 15	افزايش سود آوري (فريمينگ و اوسو، ۲۰۱۲)
Q 16	افزايش روابط ملي و بين المللي (فريمينگ و اوسو، ۲۰۱۲)
Q 17	ايجاد شاخص هايي به منظور مقايسه ي عملکرد اجتماعي سازمان با معيار هاي مناسب (بامداد صوفي، ۱۳۷۷)
Q 18	آموزش هاي مستمر در خصوص حسابرسي اجتماعي به واحد حسابرسي اجتماعي (گرین وود و کاموج، ۲۰۱۳)
Q 19	توجه به پارامتر هاي اخلاقي (فريمينگ و اوسو، ۲۰۱۲)
Q 20	الزام قانوني سازمان به حسابرسي اجتماعي (باترا، ۱۹۹۶؛ محمدي و بيات، ۱۳۹۱)
Q 21	درک درستي از حسابرسي اجتماعي توسط سازمان (باترا، ۱۹۹۶)
Q 22	ايجاد اهداف روشن براي مأموريت اجتماعي و پاسخگويي به دينفعان (پارکر، ۲۰۱۳)
Q 23	افزايش آگاهي کارمندان و آموزش درباره برنامه هاي اجتماعي به آنان (پارکر، ۲۰۱۳؛ گرین وود و کاموج، ۲۰۱۳)
Q 24	اهميت داشتن محيط زيست براي سازمان (ازبیکا، ۲۰۰۹)
Q 25	استقرار و توجه به مديريت ريسک (http://www.schematt.com)
Q 26	قوانين اجتماعي کشور (فريمينگ و اوسو، ۲۰۱۲؛ هومر، ۲۰۰۱)
Q 27	تنظيم استانداردهاي عملکرد اجتماعي (راينارد، ۱۹۹۸)
Q 28	تنظيم استانداردهاي حسابداري و حسابرسي اجتماعي (گرین وود، ۲۰۱۳؛ احمد، ۲۰۱۲؛ هوبا، ۲۰۰۶)
Q 29	افزايش آگاهي دينفعان نسبت به حسابرسي اجتماعي (موريومتو و همكاران، ۲۰۰۵؛ باترا، ۱۹۹۶)
Q 30	كسب اطمينان دينفعان از اعتبار گزارش هاي اجتماعي (اگلي و همكاران، ۲۰۱۰)
Q 31	فشار دينفعان بر شرکت جهت پياده سازي سيستم حسابرسي اجتماعي (باترا، ۱۹۹۶؛ راينارد، ۱۹۹۸)
Q 32	دستور دولت براي ايجاد تشکلهاي مرتبط با حسابرسي اجتماعي (باترا، ۱۹۹۶)
Q 33	شکل گيري نهادهاي قانوني نظير اداره سلامت و ايمني شغلي (محمدي و بيات، ۱۳۹۱)
Q 34	پرورش افراد متخصص در زمينه حسابداري و حسابرسي اجتماعي در سطح ملي توسط دولت (احمد، ۲۰۱۲)

قوانين و مقررات

دينفعان

حمایت و برنامه‌های
دولت

Q 35	جلوگیری از فساد در سطح ملی (هویا، ۲۰۰۶؛ علم، ۲۰۱۴)	عوامل اجتماعی
Q 36	تقویت سازمان‌های نظارتی (هویا، ۲۰۰۶)	
Q 37	وجود پایگاه داده جهت مخابره اطلاعات کلان به شهروندان (هویا، ۲۰۰۶)	
Q 38	اعمال فشار توسط سازمان‌های دولتی اجتماعی مانند سازمان محیط زیست (هویا، ۲۰۱۲)	
Q 39	افزایش نگرانی عمومی از عدم پیاده سازی سیستم حسابداری اجتماعی (هاتر، ۲۰۱۳)	
Q 40	هماهنگی میان دولت، تجارت و جامعه در جهت استقرار سیستم حسابداری اجتماعی (موریموتو و همکاران، ۲۰۰۵)	حسابرس
Q 41	فشار از سوی جامعه بر پیاده سازی سیستم حسابداری اجتماعی (گانو و ژانگ، ۲۰۰۶)	
Q 42	اعتباربخشی و ایجاد اعتماد بیشتر (موریموتو و همکاران، ۲۰۰۵؛ راینارد، ۱۹۹۸)	
Q 43	شفافیت و پاسخگویی بیشتر (گانو و ژانگ، ۲۰۰۶)	
Q 44	محسوس تر شدن نتایج واقعی عملکرد (محمدی و بیات، ۱۳۹۱)	
Q 45	انتخاب معیار مناسب برای اندازه گیری عملکرد اجتماعی (فیلیوس، ۱۹۸۵)	

منبع: یافته های پژوهش

در مرحله بعد از طریق مصاحبه با خبرگان حسابداری، نظرات ایشان در مورد اثرگذاری هریک از این عوامل بر حسابداری اجتماعی جمع‌آوری گردید.

داده‌های بدست آمده از طریق تکنیک تاپسیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش تاپسیس یک روش جبرانی از روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است. در این روش m گزینه، توسط n شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. این تکنیک بر این بنا نهاده شده است که گزینه‌ی انتخابی باید کمترین فاصله را با راه‌حل ایده آل مثبت (d^+) و بیشترین فاصله را با راه حل ایده آل منفی (d^-) داشته باشد.

این روش شامل هفت مرحله به شرح زیر می‌باشد:

- مرحله اول: کمی کردن و بی مقیاس کردن ماتریس معیارها، به منظور قابل مقایسه شدن معیارها با مقیاس‌های مختلف، ماتریس معیارها به ماتریس بی مقیاس تبدیل می‌شود.

- مرحله دوم: ایجاد ماتریس بی‌مقیاس وزین با مفروض بودن بردار W به عنوان ورودی به الگوریتم

- مرحله سوم: مشخص نمودن راه حل ایده آل مثبت و راه حل ایده آل منفی برای گزینه‌ی ایده آل مثبت (d^+) و ایده آل منفی (d^-).

- مرحله چهارم: محاسبه‌ی اندازه‌ی جدایی (فاصله)

- مرحله پنجم: محاسبه نزدیکی نسبی CL_i به راه حل ایده آل (مؤمنی، ۱۳۹۲)

$$CL_i = \frac{d_i^-}{d_i^+ + d_i^-}$$

۵- یافته‌های پژوهش

از طریق مصاحبه با خبرگان حسابرسی (شرکای مؤسسات حسابرسی دارای رتبه الف)، میزان رابطه هرکدام از این عوامل با حسابرسی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل از تکنیک تاپسیس در جدول ۲ به صورت کلی و در جدول ۳ به تفکیک ارائه شده است.

جدول ۲. رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی به طور کلی

رتبه	گویه	Cl _i	Di ⁺	Di ⁻	رتبه	گویه	Cl _i	Di ⁺	Di ⁻
۱	q ₄	/۸۳۱۲۳	۱/۱۰۹	۵/۱۳۱	۲۴	q ₂₉	-۰/۶۳۴۳۷	۱/۸۱۰	۳/۱۸۱
۲	q ₁₈	/۸۲۲۴۹	۱/۸۸۸	۴/۷۵۳	۲۵	q ₆	-۰/۶۲۹۶۴	/۵۴۹	۱/۶۱۱
۳	q ₁	/۸۲۲۱۶	۲/۰۰۸	۳/۱۷۷	۲۶	q ₄₅	-۰/۶۲۷۲۲	۱/۵۳۳	۴/۲۴۹
۴	q ₈	/۷۹۹۳۷	۱/۱۲۵	۵/۵۴۱	۲۷	q ₃	-۰/۶۱۲۳۳	/۷۹۵	۳/۸۵۷
۵	q ₃₇	/۷۵۸۷۹	۱/۸۱۵	۴/۷۱۷	۲۸	q ₃₀	-۰/۶۰۰۱۳	/۹۵۴	۳/۷۸۷
۶	q ₂₆	/۷۳۶۱۵	۱/۹۴۵	۳/۳۰۸	۲۹	q ₃₄	-۰/۵۴۷۷۴	۱/۸۲۱	۳/۱۶۱
۷	q ₇	/۷۳۲۲۶	۱/۳۶۹	۳/۷۴۵	۳۰	q ₁₇	-۰/۵۴۳۸۳	/۹۹۴	۲/۹۹۳
۸	q ₂₃	/۷۲۲۸۲	۱/۱۲۴	/۴۷۹	۳۱	q ₁₉	-۰/۵۴۳۳۳	۳/۳۴۵	۱/۵۸۹
۹	q ₅	/۷۲۲۰۳	۳/۱۸۷	۱/۶۴۴	۳۲	q ₁₃	-۰/۵۳۶۸۹	۲/۵۲۷	۲/۳۴۴
۱۰	q ₃₆	/۷۱۸۹۱	۴/۲۱۲	۱/۰۷۱	۳۳	q ₃₂	-۰/۴۸۰۲۴	۲/۵۷۵	۲/۰۹۲
۱۱	q ₂	/۷۱۵۷۰	۵/۴۵۶	/۲۹۶	۳۴	q ₃₃	-۰/۴۴۸۱۸	۲/۰۸۲	۲/۵۲۲
۱۲	q ₄₀	/۷۱۰۸۴	۳/۱۶۵	۱/۷۶۵	۳۵	q ₁₂	-۰/۳۵۸۰۵	۱/۵۷۰	۳/۵۲۸
۱۳	q ₂₀	/۶۹۹۳۲	۲/۰۹۴	۲/۴۲۸	۳۶	q ₉	-۰/۳۴۰۳۸	/۴۰۹	۳/۶۰۴
۱۴	q ₂₂	/۶۹۸۹۷	۳/۴۱۱	۱/۵۰۵	۳۷	q ₄₁	-۰/۳۲۵۲۲	۱/۵۳۴	۴/۸۲۶
۱۵	q ₃₈	/۶۹۳۳۶	۵/۳۶۳	۱/۴۶۴	۳۸	q ₃₁	-۰/۳۲۲۰۴	۱/۵۶۴	۳/۵۳۷
۱۶	q ₃₅	/۶۹۲۰۴	۵/۳۳	۱/۳۲۴	۳۹	q ₂₅	-۰/۳۱۲۲۹	۳/۳۴	۱/۵۱۲
۱۷	q ₄₃	/۶۸۹۴۰	۲/۲۲۲	۲/۶۴۷	۴۰	q ₃₉	-۰/۳۱۱۶۲	۱/۵۶۶	۳/۸۵
۱۸	q ₂₇	/۶۸۲۳۸	۰/۸۵۶	/۹۶۷	۴۱	q ₁₄	-۰/۳۰۶۲۳	۳/۲۴۹	۱/۵۶۶
۱۹	q ₄₄	/۶۶۲۹۷	۲/۱۷۶	۲/۵۸۹	۴۲	q ₁₅	-۰/۲۱۷۷۲	۱/۵۸۴	۲/۹۲۶
۲۰	q ₂₈	/۶۵۹۶۰	۱/۷۱۹	/۹۹۸	۴۳	q ₁₀	-۰/۲۰۲۰۲۷	/۳۹۵	۳/۰۹۷
۲۱	q ₄₂	/۶۴۸۸۴	۱/۸۴۶	۳/۳۴۲	۴۴	q _{1۶}	-۰/۲۰۲	۱/۵۴۱	۳/۰۳۱
۲۲	q ₂₁	/۶۴۴۱۶	۱/۵۸۱	۳/۶۷۱	۴۵	q ₁₁	-۰/۱۹۲	۱/۶۳۳	۲/۷۴۸
۲۳	q ₂₄	/۶۳۷۳۴	۱/۴۲۳	۳/۷۱۱					

منبع: یافته‌های پژوهش

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌کنید اختلاف Cl گزینه‌های متوالی تا رتبه ۴۱ به اندازه چند صدم بوده است و اختلاف چندانی ندارند ولی اختلاف Cl رتبه ۴۱ و ۴۲ به اندازه ۰/۱

می‌باشد که این اختلاف نسبت به سایر اختلاف‌ها چشمگیر است. به همین علت در این رتبه - بندی شاخص‌های افزایش سودآوری، در دسترس قرار دادن اطلاعات سازمان به عموم، افزایش روابط ملی و بین‌المللی و افزایش شهرت در این رتبه‌بندی حذف می‌شوند.

جدول ۳. رتبه‌بندی مؤلفه‌های عوامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی در هر طبقه

عوامل	رتبه	گویه	CL
عوامل سازمانی	۱	رهبری مناسب سازمان	۰/۸۶۰۸۸
	۲	ارائه آموزش‌های مستمر در خصوص حسابرسی اجتماعی	۰/۸۵۸۲۰
	۳	مسئول دانستن سازمان نسبت به تأثیرات اجتماعی	۰/۸۲۲۱۱
	۴	توجه به همه گروه‌های ذینفع	۰/۸۰۴۶۴
	۵	تدوین خط‌مشی مناسب جهت جلوگیری از فساد	۰/۷۳۹۱۷
	۶	آموزش در خصوص برنامه‌های اجتماعی به کارکنان سازمان	۰/۷۳۳۶۹
	۷	اولویت داشتن حسابرسی اجتماعی در سطح هیئت‌مدیره	۰/۷۲۸۴۶
	۸	اشتقاق سازمان برای استقرار سیستم حسابرسی اجتماعی	۰/۷۲۲۶۱
	۹	التزام قانونی سازمان به استقرار سیستم حسابرسی اجتماعی	۰/۷۱۶۶۸
	۱۰	ایجاد اهداف روشن برای پاسخگویی به ذینفعان	۰/۷۰۸۲۷
	۱۱	درک درستی از حسابرسی اجتماعی توسط سازمان	۰/۶۵۷۲۴
	۱۲	اهمیت داشتن محیط زیست برای سازمان	۰/۶۴۷۰۶
	۱۳	ادغام حسابرسی اجتماعی با سیاست‌های سازمان در تمامی سطوح سازمانی	۰/۶۳۶۳۷
	۱۴	نرسیدن سازمان از انتقاد عمومی و مداخله	۰/۶۲۱۶۶
	۱۵	ایجاد شاخص‌هایی برای ارزیابی عملکرد اجتماعی سازمان	۰/۵۵۶۵۱
	۱۶	توجه به پارامترهای اخلاقی توسط سازمان	۰/۵۵۵۷۷
	۱۷	یکپارچه‌سازی اهداف اجتماعی با اهداف اقتصادی	۰/۵۴۴۹۶
	۱۸	بهبود سیستم مدیریت و دفاع از جایگاه مدیریت	۰/۳۹۷۰۱
	۱۹	تهیه کردن گزارش‌های اجتماعی ارزان و سریع	۰/۳۶۶۷۳
	۲۰	استقرار و توجه به مدیریت ریسک	۰/۳۲۲۷۴
	۲۱	مشروعیت بخشیدن به سازمان	۰/۳۱۷۲۸
	۲۲	افزایش سودآوری	۰/۲۲۲۳۲
	۲۳	در دسترس قرار دادن اطلاعات سازمان به عموم	۰/۲۱۱۱۸
	۲۴	افزایش روابط ملی و بین‌المللی	۰/۲۰۷۴۱
	۲۵	افزایش شهرت	۰/۱۹۰۴۵
قوانین و مقررات	۱	قوانین اجتماعی کشور	۰/۷۸۴۷۰
	۲	تنظیم استانداردهای عملکرد اجتماعی	۰/۲۱۸۹۴
	۳	تنظیم استانداردهای حسابداری و حسابرسی اجتماعی	۰/۱۷۱۱۷
ذینفعان	۱	افزایش آگاهی ذینفعان نسبت به حسابرسی اجتماعی	۰/۸۹۲۵۱
	۲	کسب اطمینان ذینفعان از اعتبار گزارش‌های اجتماعی	۰/۸۲۵۴۳

۰/۰۳۲۷۳	فشار ذبنفعان بر شرکت جهت پیاده سازی سیستم حسابرسی اجتماعی	۳	
۰/۹۳۶۳۲	وجود پایگاه داده جهت مخابره اطلاعات کلان به شهروندان	۱	حمایت و برنامه های دولت
۰/۷۴۲۸۵	تقویت سازمان های نظارتی	۲	
۰/۷۲۱۱۳	اعمال فشار توسط سازمان های دولتی اجتماعی مانند سازمان محیط زیست	۳	
۰/۷۱۵۴۵	جلوگیری از فساد در سطح ملی	۴	
۰/۳۰۳۳۳	پرورش افراد متخصص در زمینه حسابداری و حسابرسی	۵	
۰/۱۷۹۳۱	دستور دولت برای ایجاد شکل های مرتبط با حسابرسی اجتماعی	۶	
۰/۱۷۰۶۳	شکل گیری نهاد های قانونی نظیر اداره سلامت و ایمنی شغلی	۷	
۰/۹۸۷۷۶	هماهنگی میان دولت، تجارت، و جامعه	۱	عوامل اجتماعی
۰/۱۸۳۰۲	فشار از سوی جامعه بر پیاده سازی حسابرسی اجتماعی	۲	
۰/۰۳۰۷۸	افزایش تکرانی عمومی از عدم پیاده سازی سیستم حسابرسی اجتماعی	۳	
۰/۹۵۹۳۸	شفافیت و پاسخگویی بیشتر	۱	حسابرس
۰/۶۶۶۶	افزایش گزارشگری نتایج واقعی عملکرد	۲	
۰/۴۷۹۶۵	اعتباربخشی و ایجاد اعتماد بیشتر	۳	
۰/۲۰۹۳۵	انتخاب معیار مناسب برای اندازه گیری عملکرد اجتماعی	۴	

منبع: یافته های پژوهش

۶- بحث و نتیجه گیری

امروزه شرکت ها در سراسر جهان شروع به ارزیابی عملکرد اجتماعی خود و گزارش نتایج ارزیابی ها به عنوان ابزاری برای نشان دادن تعهد خود نسبت به مسئولیت اجتماعی کرده اند. این نوع حسابرسی می تواند به شرکت در شناسایی ریسک ها، عدم انطباق با قوانین و سیاست های شرکت و بخش هایی که نیاز به بهبود دارند، کمک کند.

هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی در سطح جامعه آماری مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی تهران بوده است. در راستای دسترسی به هدف بیان شده، مستند به مرور ادبیات، شش عامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی تعیین گردید.

همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، گویه رهبری مناسب سازمان که جزء عوامل سازمانی است از نظر خبرگان حسابرسی، مهم ترین و مؤثرترین عامل بر حسابرسی اجتماعی می باشد. می توان اذعان نمود، از آنجا که اجرای حسابرسی اجتماعی امروزه به صورت داوطلبانه

در دیگر کشورها اجرا می‌شود پس عوامل سازمانی می‌تواند از مهم‌ترین عوامل کلیدی بر حسابرسی اجتماعی باشد. در پژوهش موریموتو و همکاران (۲۰۰۵) رهبری مناسب سازمان و توجه به گروه‌های ذینفع که جزء عوامل سازمانی است مهم‌ترین عوامل بر حسابرسی اجتماعی برشمرده شدند که در نتیجه با نتایج این پژوهش مطابقت دارد. همچنین عوامل افزایش سودآوری، در دسترس قرار دادن اطلاعات سازمان به عموم، افزایش روابط ملی و بین‌المللی و افزایش شهرت کمترین رتبه را به خود اختصاص دادند و از عواملی هستند که بر حسابرسی اجتماعی از نظر خبرگان کم‌ترین تأثیر را دارند.

در جدول ۳ رتبه‌بندی مؤلفه‌های عوامل مؤثر بر حسابرسی اجتماعی به طور جداگانه آورده شده است. طبق این جدول گویه رهبری مناسب سازمان در گروه عوامل سازمانی، قوانین اجتماعی کشور در گروه قوانین و مقررات، افزایش آگاهی ذینفعان نسبت به حسابرسی اجتماعی در گروه ذینفعان، وجود پایگاه داده جهت مخابره اطلاعات کلان به شهروندان در گروه حمایت و برنامه‌های دولت، هماهنگی میان دولت، تجارت و جامعه در گروه عوامل اجتماعی، شفافیت و پاسخگویی بیشتر در گروه حسابرسان بیشترین رتبه را در گروه خود کسب نمودند.

این پژوهش در نوع خود جامع‌ترین پژوهش انجام شده در زمینه حسابرسی اجتماعی می‌باشد که با مرور جامع پیشینه، انجام مصاحبه و سپس انجام روش‌های آماری به نتایج بدیع و جامعی در زمینه حسابرسی اجتماعی دست یافته است.

۷- پیشنهادهای پژوهش

از آنجا که مدیر نقش کلیدی را در رهبری سازمان دارد پیشنهاد می‌شود با برگزاری کنفرانس‌ها، هم‌اندیشی‌ها و دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت مدیران را با مسئولیت اجتماعی‌شان و حسابرسی اجتماعی آگاه ساخت و مدیران باید سعی کنند که خصوصیات اخلاقی متعالی مانند آزادی، عدالت، برابری، صلح و انسانیت را پیرامون خود متجلی سازند و از خصوصیات پستی مانند تنفر، حسادت پرهیز کنند. همچنین مدیر با تدوین خط‌مشی مناسب از جمله تلاش و همت در کسب رضایت کامل کلیه ذینفعان، شناسایی مستمر برای پیشگیری از عوامل آلوده‌ساز محیط زیست و بهره‌گیری بهینه از منابع طبیعی می‌تواند باعث اثرگذاری بیشتر بر حسابرسی اجتماعی باشد.

۸- محدودیت پژوهش

از محدودیت‌های پژوهش حاضر را می‌توان به اجرای پژوهش در نمونه‌ای متشکل از شرکای مؤسسات حسابرسی اشاره کرد که این مسأله می‌تواند کاهش حوزه تعمیم دهی نتایج را به دنبال

داشته باشد. همچنین واژه حسابرسی اجتماعی در بین نمونه آماری پژوهش دارای مفهوم یکسان نبود که می‌توان به عنوان محدودیت به آن اشاره کرد.

منابع

۱. احمدپور، احمد و فرمانبردار، مریم. (۱۳۹۴). "بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و رقابت بازار محصول". **فصلنامه حسابداری مالی**. شماره ۲۶. صص ۱۰۳-۱۲۴
۲. ایران نژاد پاریزی، مهدی. (۱۳۷۱). "مسئولیت اخلاقی و اجتماعی مدیریت". **مجله دانش مدیریت**. شماره ۱۸. صص ۲۳-۳۴
۳. بامدادصوفی، جهانیار. (۱۳۷۷). "اطلاع رسانی در مدیریت منابع انسانی از طریق طراحی سیستم‌های اطلاعاتی اجتماعی: حسابداری اجتماعی، حسابرسی اجتماعی". **فصلنامه مطالعات مدیریت**. شماره ۲۰. صص ۱۵۱-۱۷۰
۴. بهارمقدم، مهدی و همکاران. (۱۳۹۲). "بررسی رابطه مکانیزم‌های شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها". **فصلنامه حسابداری مالی**. شماره ۲۰. صص ۹۰-۱۰۷
۵. پاک‌مرام، عسگر و رضازاده، حامد. (۱۳۹۴). "گذری بر چارچوب مفهوم حسابداری مسئولیت اجتماعی". **چهارمین کنفرانس ملی مدیریت و اقتصاد پایدار با رویکرد استراتژیک عراقی، مریم و یقین لو، مهرانگیز**. (۱۳۸۳). "مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها". **تدبیر**. سال پانزدهم. شماره ۱۴۴. صص ۶۴-۷۵
۶. قاسمی، ساسان و شکری علی آبادی، وحید. (۱۳۹۳). "ابزار بهبود عملکرد برای توسعه پایدار"، **روزنامه دنیای اقتصاد**، شماره ۳۲۲۰ ص ۵.
۸. محمدی، جمال و بیات، علی. (۱۳۹۱). "بررسی جایگاه پاسخگویی و حسابرسی مسئولیت‌های اجتماعی واحدهای اقتصادی". **مجله حسابر**. سال چهاردهم. شماره ۵۹. صص ۸۶-۹۲
۹. مؤمنی، منصور. (۱۳۹۲). **مباحث نوین تحقیق در عملیات**. تهران: انتشارات ترمه. چاپ پنجم.
۱۰. هاشمی، سید هادی. (۱۳۸۶). "حسابداری اجتماعی: روشی جهت ارزیابی اثرات فعالیت‌های توسعه‌ای شرکت‌ها". **مجله حسابداری**. سال بیست و دوم. شماره ۱. صص ۲۴-۳۰
11. Ahmed, Asif. (2012). Social and environmental auditing. **Journal of some basic concept**. No. 12. 56-79.

12. Alam, Munazir. (2014). Social Audit-A social instrument ensuring public accountability and local level. **International Journal of Research**. Vol.1. No.8, pp.1199-1204
13. Azizul Islam, M. (2009). Social and Environmental Reporting Practices Organizations Operating in, or Sourcing Products from, a Developing Country: Evidence from Bangladesh. Thesis for MSc, University of Dhaka
14. Basamalah, A.S & Jermiah, j. (2005). Social and Environmental reporting and auditing, in Indonesia: Main Training organizational Legitimacy? **International Journal of Business**. Vol.7, No.1, p: 109-127
15. Batra, G.S. (1996). Dynamics of social auditing in corporate enterprises; A study of the Indian corporate sector. **Managerial auditing journal**, Vol.11, No.2, p: 36-45
16. Bowen, H.R. (1953). Social Responsibilities of the Buisnessmen, Horper & Brothers. New York .p:155
17. Breton, J.R. (2000).World affairs social audit. <worldaffairs.com/audit.htm>
18. Carrol, Archie. (1991). The pyramid of corporate social responsibility: Toward the moral management of organizational stakeholders. **Business Horizons**. No. 9. 234-51.
19. Cho, Ch. (2007). Organization Legitimacy and the strategic use of accounting information three studies related to social and environmental disclosure. Orlando, Florida, Spring Term
20. Deegan, C. & Blomquist, C. (2006). Stakeholder Influence on corporate Reporting: An Exploration of the Interaction between WWF-Australia: and the Australian Industry. **Accounting, Organization and Society**, 31, 343-72
21. Edgley, C.R, Jones, M.J and Solomon, J.F 2010 , Stakeholder inclusivity in social and environmental report assurance, **Accounting, Auditing and accountability journal**, vol. 23, No.4, p :532-557.
22. Ezezika, O, et al, (2009). A social audit model agro-biotechnology initiatives in developing countries: accounting for ethical, social,

- cultural, and commercialization issues. **Journal of Technology Management and Innovation**. Vol 4. No 3, pp.24-33
23. Filios, Vassilios P. (1985). Social process auditing: A Survey and some suggestions, **Journal of Business, Ethics**. Vol.4, p: 477-485
24. Frimpong, Siaw & Owusu, Chareles. (2012). Corporate social and environmental auditing: Perceived responsibility or regulatory requirement. **Research Journal of Finance and Accounting**. Vol 3. No 4, pp.47-56
25. Gao, Simon and Zhang, Jane. (2006). Stakeholder engagement. Social auditing and corporate sustainability, Business process **Management journal**. Vol, 19. No, 6. p:722-740
26. Greenwood, M & Kamoche, k. (2013). Social accounting as stakeholder knowledge appropriation. **Journal of Management Governance**, Vol.17, p:723-743
27. Hasnas, J. (1998). The Normative Theories of Business Ethics: A Guide for the Perplexed. **Business Ethics Quarterly**, 8(1). 19-42
28. Hevia, Felipe. (2006). Social audit mechanisms in Mexico. <http://www.fundar.org.mx>
29. Hill, Chareles W.L. & Jones, Thomas M. (1992). Stakeholder- Agency theory. **Journal of Management Studies**. Vol 29. No 2
30. Hill, Wan Ying., Fraser, Ian. Cotton, Philip. (1998). Patients' Voices, Rights and Responsibilities: On Implementing Social Audit in Primary Health Care. **Journal of Business Ethics**. Vol 17. pp: 1481-1497
31. Homer H,j, (2001). Corporate social Audit-This time around. **Journal of Business Horizons**. pp:29-36
32. Hunter, P., & Urminsky, M. (2003). Social auditing, freedom of association and the right to collective bargaining. at: <http://www.ilo.org/public/English/dialogue/actrav/pub/130/8.pdf>
33. Keith Davis, William C. Fredrick, "Business and Society", (New York: Mc Grow Hill 1984) pp:4-13
34. Morimoto, R, Ash, J, Hope, C. (2005). Corporate social responsibility audit: from theory to practice. **Journal of Business Ethics**. vol.62. pp:315-325

35. Munazir Alam. (2014). Social Audit-A social instrument ensuring public accountability and local level. **International Journal of Research**. Vol.1. No.8
36. NEF. (1995). Social auditing for community and co-operative enterprises. Paper presented at workshop 1. The New Economics Foundation. Edinburgh. Murch
37. Parker, Rawlins. (2013). Social impact audit, The redwoods Group
38. Raynard, Peter. (1998). Coming together: A review of contemporary approaches to social accounting, auditing and reporting in non-profit organizations. **Journal of Business Ethics**, vol.17
39. Ullmann, A.E. (1985). Date in search of a theory: a critical examination of the relationships among social performance. Social disclosure and economic performance of U.S firms. **Academy of Management Review**. Vol, 10.No, 3.PP:540-570
40. Uwuigbe, U & Olaynka M.U. (2011). Corporate social Environmental Disclosure in Nigeria: A comparative study of the Building Material and Brewery Industry. **International journal of Business Management**, Vol, 6. No.2, pp.550-572